

نوشته : دکتر سید حسن نصر

ترجمه : غلامعلی عرفانیان

مؤلفات فارسی شیخ الاشراق شهاب الدین سهروردی*

درباره زندگی و فلسفه عمومی و حکمت الهی شهاب الدین سهروردی ملقب به شیخ الاشراق یا شیخ مقتول و شیخ الشهید در اینجا سخنی بمیان نخواهیم آورد^۱ چه در همه جا تحقیقات مفصلی در ابواب مزبور صورت گرفته است. در اینجا همینقدر کافی است که گفته آید که وی در مدت حیات کوتاه خود (۳۸ سال) - که آن چنان غم انگیز بسر آمد - مکتب اشراق یعنی مکتب فکری نوینی را در اسلام بنیان نهاد و بیش از پنجاه کتاب به زبان فارسی و عربی تألیف کرد که از جمله مهمترین کتب در تاریخ فلسفه اسلامی محسوب توانند شد.

رتال جامع علوم انسانی

از میان این مجموعه آنچه که مطمح نظر ماست مؤلفات فارسی اوست هر چند مطالب و مباحث فلسفی و حکمتی سهروردی به زبانی که بدان مقاصد خویش را بیان می دارد بستگی ندارد و می توان آنها را چه در زبان فارسی و چه در زبان عربی دید. مع ذلك مؤلفات فارسی وی دارای خصوصیات و ویژگیهائی است که هم به زبان فارسی و هم به تمامی فرهنگ جهانی ایران بعد از اسلام

* نشریه ایران شناسی ، از انتشارات دبیرخانه مرکزی اتحادیه جهانی ایران شناسان

مربوط می شود و با همه خصوصیتی که نسبت به قسمت اعظم مجموعه مصنفات او
Opera Omnia صورت گرفته باز خود تعداد قابل ملاحظه و متنابهی را تشکیل
می دهد.^۲

تالیفات فارسی سهروردی که بر جای مانده و بالا اقل تا این روزگار بدست
آمده است و این جانب هم اکنون در صد طبع کامل انتقادی آنها می باشم
عبارت از سیزده رساله است که از آن میان صحت انتساب دورساله باو از
طرف برخی از فضلا مورد شك و تردید می باشد^۳ این نوشته ها بقرار ذیل است:

الف - ۱ - پرتو نامه .

۲ - هیاکل النور .

۳ - الواح عمادی .

ب - ۴ - لغت موران .

۵ - رساله الطیر .

۶ - صغیر سیمرغ .

۷ - روزی با جماعت صوفیان .

۸ - فی حالة الطفولية .

۹ - آواز پیر جبرئیل .

۱۰ - عقل سرخ .

۱۱ - فی حقیقه العشق .

ج - ۱۲ - بستان القلوب .

۱۳ - یزدان شناخت^۴ .

تقسیم بندی این نوشته ها به سه دسته مربوط به نوع و ماهیت آنهاست
بدین معنی که دسته اول مشتمل بر رسالات تعلیمی و نظری عمده نئی است که
با وجود اختصار و ایجاز همانند چهار کتاب بزرگ تعلیمی عربی او یعنی مقوامان

و مطارحات و تلویحات و حکمت الاشراق است . دسته دوم شامل حکایات و قصص رمزی و ابداعی کوتاهتری می باشد که در شمار قدیمترین قصص زبان فارسی است و اکثر آنها را سهروردی در سنین جوانی خویش نگاشته است .^۵ دسته سوم مرکب از دورساله نسبتاً مفصلی است که صحت انتساب آنها به سهروردی از طرف برخی مورد شک و تردید می باشد ، ولی چنان که از نسخ خطی و نیز از فحوا و مضمون این نوشته ها بر می آید من معتقدم که آن دونیز تألیف سهروردی است بخصوص بستان القلوب که شهرزوری نیز از آن یاد کرده است .^۶

این نوشته ها در شمار روشنترین و زیباترین نثر زبان فارسی است و نویسنده در رسالات ابداعی و ابتکاری خویش زبان رمز و تمثیل را بنحوی آشکار بکار می برد . هر رساله تجربه درونی بخصوص یا «حالتی» را در عالم روحانی و معنوی مورد بررسی و مذاقه قرار می دهد ، و البته بدون شرح و تفسیر روشنی در باب آراء و عقائد نویسنده است ، لیکن بمشابه شرح صحنه‌ئی است که در آن کلیه بازیگران رمزی از جوه مختلف سیر و سلوک مبتدی بسوی ادراک معنوی و مرحله وصال و اتحاد با «محبوب» می باشند .

مضمون و محتوای این رسالات البته همانند نیست ولی اسلوب و لغات و اصطلاحات در همه آنها یکسان است ، و این کاملاً طبیعی است اگر همه آنها از نبوغ و قریحه مخصوص نویسنده و نیز رمز نویسی اختصاصی و زبان حکمت اشراقی متأثر باشند .

تالیفات عمده تر سهروردی که از نظم و ترتیب بیشتری برخوردار است کم و بیش در باب دوره کاملی از آراء و عقائد او گفتگومی کند و از حکمت طبیعی شروع کرده آن گاه به علم النفس و سپس از طریق آن به حکمت الهی می رسد . اما آنچه که بخصوص حائز اهمیت است این است که در این رسالات ، حکمت

طبیعی درست همانند حکمت طبیعی مشائین ، و غیر از آن است که در حکمت الاشراق و مختص مذهب اشراقی است . ولی علم النفس وی با کتاب نفس De Anima ارسطو و حتی علم النفس ابن سینا بکلی متفاوت و از لونی دیگر و بتمام و کمال علم النفس اشراقی است ، که در آن نفس را عبارت از نوری می داند که باید از درون و رطبه های تاریک زندان زمینی عالم هستی ب جستجوی منزلگاه آسمانی و نخستین خویش که اصل از آن جا دارد بر آید .

حکمت الهی سهروردی بیشتر مبتنی بر اشراق و احوال باطنی است تا معقولات و استدلالات عقلی ، و وی در نوشته های خویش ، بی هیچ تصنع و پیروی از علم قال ، از لغات معمول و مصطلح فلسفه مشائی ، که بچاشنی اصطلاحات اشراقی درآمیخته ، بسیار سودجسته و از حکما و فرزندان ایران باستان و یونان و نیز از آن حکمت جاودانی که بزعم او اصلش آسمانی و یزدانی و خاص خواص ایرانیان و یونانیان می باشد در جای جای این نوشته ها یاد کرده است . وی جمله آنها بخصوص الواح عمادی را نظر باین که در آنها از دیگر تألیفات خویش نام برده ظاهراً خیلی بعدتر نگاشته است .

سهروردی بعقیده عده کثیری از خاورشناسان و تنی چند از فضیلابی ایرانی فرهنگ ملی ایران را در برابر اسلام فرانموده است ، و حال آن که مهمترین نکته قابل ملاحظه ای که آراء آنان را بکلی مردود می سازد وجود تعداد بسیار فراوان آیات قرآنی در نوشته های اوست . اگر فاسفه اسلامی رابدقت تمام مورد بررسی قرار بدهیم این حقیقت عجیب را در خواهیم یافت که نخستین کس از فلاسفه که از آیات قرآنی آنهم بنحوی بسیار در کتب فلسفی خویش سودجسته سهروردی است ، که از طرف عده کثیری متهم بر هبری جنبشی ضد اسلامی می باشد ، و این ، در حقیقت بعیدترین تصور از اندیشه اوست . در مقام مقایسه با فارابی ، که هرگز به آیات قرآنی استشهاد

نمی‌کند^۷، و نیز ابن سینا، که در کتاب شفای خویش فقط به يك آیه استشهاد کرده، سهروردی تقریباً در همه ابواب و فصول نوشته‌های خود آیات قرآنی را بکار داشته‌است، و در واقع تمامی عقائد و آراء فلسفی و حکمتی خود را تفسیری بر قرآن معرفی می‌نماید، تا بدان جا که در پایان رساله الواح عمادی افسانه‌های شاهان و قهرمانان ایران باستان را نیز از جنبه قرآنی مورد شرح و تفسیر قرار می‌دهد.

آن چه که باید دانسته شود اینست که در نظری بین اصول و مبانی فرهنگ ایران قدیم، که از آنها در نظر جهانی خویش اقتباس کرده، و فلسفه اسلامی، هیچ گونه کشش و علاقه‌ای موجود نیست، و همانگونه که ماسینیون و کربن بدرستی اظهار داشته‌اند حکمت و عرفان اسلامی آینه‌ای را می‌ماند که در آن عنصر عمده فرهنگ ایران، بوساطت سهروردی، گذشته خود را در نظر دارد و بر آن است که بار دیگر اساطیر و مظاهر خود را احیاء کند^۸. در نظر سهروردی ارتباط بین حکمت ایران باستان و اسلام همانند ارتباطی است که بین میراث یونانی-رومی و مسیحیت در نظر مردم روم شرقی و قوم لاتین است، نه آن چنان که این وضع برای مردم دوره رنسانس پیش آمد. البته غرض ما مطابقت و اتصال است نه مغایرت و تضاد. به هر حال سهروردی بدلیل آگاهی او بر میراث قدیم ایران و انشاء عالی و هم بدان دلیل که حکیم مسلمان پارسائی بود، در نزد فضیلت ایرانی دارای مقامی بس شامخ است، و مردم ایران امروز که گاهی همانند مردم اروپای عهد رنسانس توجه بفرهنگ گسستن رفته بین اسلام و میراث قدیم ایران دارند، باید بجای او با جانبداری از احساسات ملی نوین آن را برقرار سازند، چه وی بنوبه خویش امکان چنین اتصال و راه حل برخورد اسلام و ایران کهن را نشان داده‌است و این همان مسئله‌ای است که حل آن فقط در آن جا یافت می‌شود که سهروردی خود در پی آن بوده و

آن عالم جواهر و اعیان ثابت است^۹.
 راز افزایش و گسترش تاثیر و نفوذ و دوام تعالیم وی، بخصوص در سرزمینهای شرقی اسلامی، یعنی آنجا که غلبه بازبان و فرهنگ ایرانی بود، در این حقیقت نهفته است که حکمت اشراق از هر حیث با امکانات معنوی زیر بنای اسلام تطابق و توافق داشته و نیاز مبرم گروهی بخصوص از فرزندان مسلمان را رفع می کرده است، و آن نه تنها از منابع ایران قدیم فراهم آمده که عمیقاً از قرآن کریم نیز ریشه گرفته و بهمین علت توانسته است عربان، هندیان، ترکان و هر دیگر قوم غیر ایرانی را که سهم بخصوصی در تاریخ ایران باستان ندارد بخود جلب کند. گسترش مکتب سهروردی رانیز در آن طولی و شبه قاره هند نمی توان بسان چیزی غیر مهم بسادگی کنار گذاشت، چه در حقیقت گسترش فلسفه اسلامی در هند با این مکتب در پیوسته است. پیدایش مذهب اشراق، هم بمعنی تضمین ترویج فلسفه اسلامی است بصورتی نزدیکتر از مکاتب فکری پیشین بروح و جوهر اسلام و هم بمعنی وجود مکتبی که بخصوص در کنار آداب و سنن اسلامی - ایرانی در هر کجا که فرهنگ اسلامی - ایرانی غلبه می کرده گسترش می یافته، و هم بمعنی تکوین نثر فلسفی فارسی است که برای نخستین بار بدست سهروردی خودی پیدا کرده است.

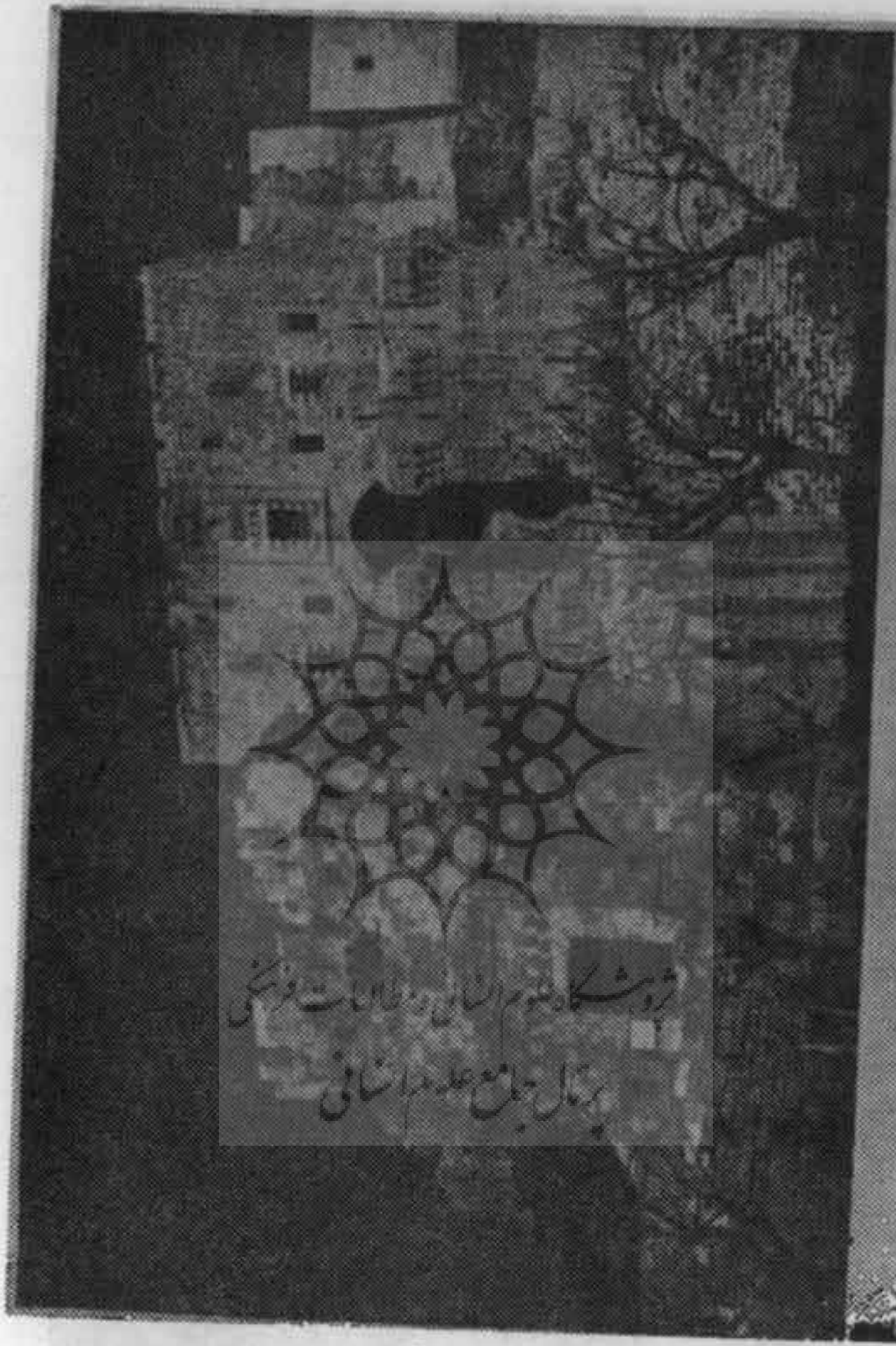
تاپیش از روزگار وی، برخی از فلاسفه و در راس آنها ابن سینا و ناصر خسرو، مطالبی به زبان فارسی نوشته بودند و شخص اخیر تمامی کتب فلسفی خویش را بدان زبان نگاشته بود، ولی بحکم پیروی از کیش اسماعیلی بشرح و بیان شکل بخصوصی از فلسفه پرداخته بود که با مکتب متنقدمشائی توافق و تطابق نداشت. ابن سینا، بسهم خویش اولین کتاب مشائی، یعنی دانشنامه علائی را به زبان فارسی تألیف کرد و با آن که کارش ستودنی است بر اثر سعی در خودداری از استعمال لغات دخیل عربی ناچار از استخدام

لفات و اصطلاحات نامانوس شده و در نتیجه همانند آن کس که کتابی در فلسفه به زبان انگلیسی بنویسد و لفاتی را که از اصل لاتینی است بکار نبرد توفیقی بدست نیاورده است ، و در حقیقت کتابش آن چنان ناموفق است که امروزه دانشجوی ایرانی کتاب مقاصد الفلاسفه غزالی را ، که تقریباً ترجمه دانشنامه می باشد ، بهتر از اصل آن ، که از ابن سیناست ، فهم می کند . به همین جهت ، این عمل با آن که دلیرانه می نمود ، استعمال زبان فارسی را بعنوان زبانی مهم برای فلسفه بمدت دو قرن بتأخیر افکند . ولی سهروردی ، در برابر ابن سینا از استعمال کلمات عربی که گونه فارسی یافته بود ، تن نزده و با آن که مدافع بزرگ حکمت ایرانیان قدیم است ، در صورتی که مسأله زبان را پیش بکشیم ، در آن مورد کاری از خویش فرانموده است ، به همین جهت نشر فلسفی او بسیار طبیعی تر و فهم آن حتی برای خوانندگان ایرانی بسیار آسان تر از تألیفات دیگر کسانی است که به زبان فارسی مطلب فلسفی نگاشته اند .

از میان این کسان دو نفر را می توان با سهروردی مقایسه کرد : یکی افضل الدین کاشانی و دیگر نصیر الدین طوسی . مؤلفات کاشانی ، که فراوان و به زبان فارسی سره است ، نظر به اتکاء زیاد بر فلسفه مشائخی^{۱۰} ، از تألیفات سهروردی مشکلتر و از لحاظ لفات فنی نیز از نوشته های او به نوشته های ابن سینا نزدیکتر است . نصیر الدین طوسی ، که کتاب اخلاق ناصری او در شمار بهترین کتب شناخته شده زبان فارسی است ، هر چند به نثری طبیعی و غیر متکلف و سره چیز می نوشت لیکن نوشته های فنی فلسفی او همه به زبان عربی می باشد . از چهره های مهم دوره بعد نیز یکی میرداماد است که کتب فلسفی بسیار مشکل و پیچیده ای به زبان فارسی نوشته و دیگر صدر الدین شیرازی است که فقط يك کتاب بدان زبان پرداخته و آن زندگی نامه روحانی و دفاعیه او ، یعنی رساله سه اصل است و فقط حکمای دوره قاجاری از قبیل

حاج ملاهادی سبزواری و ملاعلی زنوزی رسالات مهم مبسوطی به فارسی نگاشته‌اند. بنابراین تألیفات فلسفی و رمزی سهروردی در ادب فارسی جای مخصوص بخود دارد که شامل اولین قصص و حکایات ابداعی زبان فارسی و نوشته‌هایی چند از روشن‌ترین نثرهای فلسفی آن زبان می‌باشد، و گذشته از آن، مشتمل بر آراء و مباحثی است که تنها بحیات عقلی هفت قرن گذشته ایران و دیگر نقاط شرقی اسلامی وابسته نیست، بلکه بگونه آئینی حیاتی و ضروری، هم بآن دسته از ایرانیان امروز مربوط است که از رشته بین احساسات ملی نوین و فرهنگ و معارف اسلامی فروبریده، وهم وابسته بدان کسان است که هنوز نسبت به دعوت و ندای اسلام و میراث معنوی خویش بکلی بی‌اعتنا نشده‌اند.

رساله جامع علوم انسانی



شورشگاه علمه اسامی و وظائف و فضائل
بر تامل و جمع علمه اسامی

قلعه حلب که سهروردی در آن زندانی شد و از غرط گریختگی با طبعی برهمنی روایات بر آنرا افکنده شدن از قفس
قلعه جان سپرد.

The Fort of Aleppo where Suhrawardi was imprisoned and where he died either from hunger in prison or by being thrown from the wall of the fort.

طبع و نشر در تهران
چاپخانه سید علی حسینی



پژوهش‌های علمی و مقالات پژوهشی
 در مجال علم انسانی

محبس‌الدم، زندان قلعه حلب که سهروردی پس از محکوم شدن به سیرگی در آن زندانی بود.
 Habs al-damm, the prison in the fort of Aleppo where Suhrawardi was imprisoned after being sentenced to death.

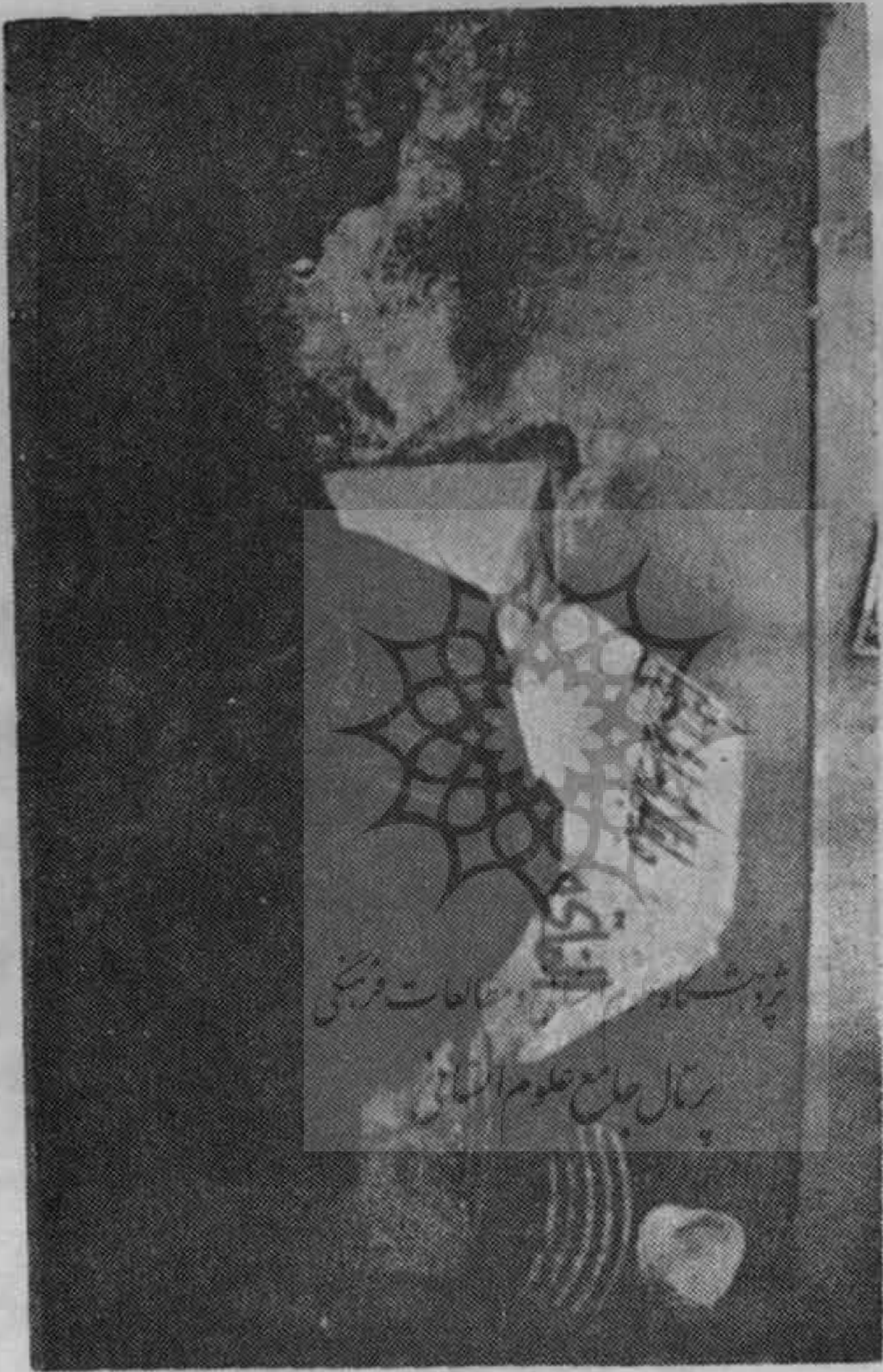


موزه شهاب الدین سهروردی و مطالعات فرهنگی
سال چهارم شماره اول

بنائى درحلب كه مزار سهروردى در آن قرار دارد و اکنون يك كلاژرى است.
The building in Aleppo where the tomb of Suhrawardi is located. The building is now a police station.

عکسها از دکتر نصر

Photos taken by S. H. Nasr



پروفسور سید محمد باقر سید
 برتال طبع مع علوم انسانی
 دانشگاه فردوسی مشهد

مزار سهروردی
 The tomb of Suhrawardi

تصویر: سید محمد باقر
 Photos taken by S. H. Javan

یادداشتها

- ۱- درباره حیات و عقاید او رجوع شود به : O. Spies ، انیس العشاق
 The Lovers' Friend دهلی، ۱۹۳۴، هورتن M. Horten فلسفه در اسلام - Die Philo-
 sophie des Islam مونیخ ، ۱۹۲۴ ، دو مقدمه مهم هانری کربن H. Corbin بر سهروردی در
 مجموعه فی الحکمة الالهية Opera Metaphysica et Mystica ج ۱ ، استانبول ، ۱۹۴۵ ،
 ج ۲ ، تهران-پاریس ' ۱۹۲۵ ، محمد اقبال ' سیر حکمت در ایران The Development of
 Metaphysics in Persia لندن ، ۱۹۰۸ ، سید حسین نصر ، سه حکیم مسلمان Three
 Muslim Sages کمبریج ، ۱۹۶۴ ، (این کتاب بهمین نام بوسیله نویسنده و مترجم بزرگ
 آقای احمد آرام به فارسی ترجمه و طبع شده است . مترجم) ایضا سید حسین نصر ، مقاله
 «سهروردی» در تاریخ فلسفه اسلامی A. History of Muslim Philosophy شریف ، ج ۱ ،
 ویسپادن ، ۱۹۶۲ ، صفحات ۲۹۸-۲۷۲ ، نیز رک ابوریان ، اصول الفلسفة الاشراقية ، قاهره
 ۱۹۵۹ .
- ۲- درباره تالیفات سهروردی رک : مقالات سابق الذكر از کربن و سید حسین نصر و
 در مورد طبقه بندی آنها هم رک : لوئی ماسینیون ، مجموعه متون چاپ نشده درباره تاریخ تصوف
 در قلمرو اسلام ، پاریس ، ۱۹۲۹ ،
- L. Massignon, Recueil de textes inédites concernant l'histoire de la
 mystique en pays d'Islam, Paris, 1929, pp. 111 ff.
- تحقیقات فضلی معاصر درباره تالیفات سهروردی اکثر مبتنی بر فهرست شهرزوری،
 شارح بزرگ حکمت الاشراق سهروردی در نزهه الارواح و روضة الافراح است . شرح حال بسیار
 خوبی از سهروردی و فهرستی از تالیفات او ، که در این مقاله ذکر شده ، بوسیله O. Spies

Shahab al-Din Sahrوردی (ترجمه و طبع) موسوم به *Three Treatises on Mysticism* and S. K. Khatak نوشته

شهاب‌الدین سهروردی مقتول بچاپ رسیده است ، اشتوتگارت ، ۱۹۳۵ ، صفحات ۱۲۱-۹۰ ، از متن فارسی و عربی .

۳- این نوشته‌ها که اکنون زیر چاپ است سومین مجلد از تالیفات سهروردی در *Opera Metaphysica et Mystica* و جزو مجموعه انجمن ایران و فرانسه *Institut Franco-Iranien* (تهران-پاریس) خواهد بود .

۴- شهرزوری همچنین از تفسیری بر الاشارات والتشبیهاث ابن سینا و رساله‌ای بفارسی موسوم به المبدأ والمعاد نام برده که اکنون هیچ کدام بدست نیامده است و با وجود تعداد کثیر مؤلفات سهروردی در استانبول و کتابخانه‌های شبه قاره هند ، پاکستان به پیدایش نسخ خطی آن دو کتاب امید نمی رود .

۵- کتابهای عربی چندی نیز جزو این دسته بشمار می رود از قبیل *الغربة الغربية* و فی اعتقاد الحکما که بوسیله هنری گریه در مجلد دوم مجموعه مذکور طبع رسیده است و رساله الابراج یا کلمات اللوقیه که نظریان که در اسلوب بیان و طرز اندیشه جزو همین دسته است بر آنم که آن را در جزو طبع انتقادی خود قرار دهیم . برخی از این رسالات مختصر بوسیله O. Spies and H. Corbin به زبان انگلیسی ، فرانسه ترجمه شده و اصل متن فارسی بعضی از آنها نیز بهمت مهدی بیانی و صبا O. Spies and H. Corbin بچاپ رسیده است . و کتابشناسی سید حسین نصر ، مقاله «سهروردی» در تاریخ فلسفه اسلامی .

۶- ریاض العارفین نیز آنرا از سهروردی دانسته است (مترجم) .

۷- علت آنرا محسن مهدی در کتاب خود به نام «الفارابی»

«Alfarabi» in L. Strauss and Cropsey

و نیز تاریخ فلسفه سیاسی خویش بیان داشته است :
History of Political Philosophy, New York, 1963, pp. 160-180.

۸- وک : سید حسین نصر «سه حکیم مسلمان» ، ص ۷۹ .

۱- رك : سيد حسين نصر ، جهان شناسی در ایران قبل از اسلام و بعد از آن ، موضوع

پیوستگی در تمدن ایرانی

“Cosmographie en Iran pré-islamique et Islamique, le problème de la continuité dans la civilisation iranienne” in G. Makdisi(ed).

و مطالعات اسلامی و عربی با افتخار هامیلتن گیب :

Arabic and Islamic Studies in Honor of Hamilton Gibb, Leiden, 1965, pp. 506-524.

۱۰- رك : مصنفات افضل الدین کاشانی در دو جلد ، ط. مجتبی مینوی و یحیی مهدوی ،

تهران ۱۳۳۷-۱۳۳۱ ، هجری شمسی .

یادداشت‌های مترجم

۱- عکسها و نیز زیرنویسهای انگلیسی و فارسی آنها از استاد نصر است و چنان که خود در کتاب معارف اسلامی خویش (ص ۱۱۸ ، ج ۶) بیان داشته‌اند نام سهروردی را بر روی سنگ قبر یا شتاباه با قلم سلی وردی نوشته‌اند .

۲- De Anima که آنرا در عربی کتاب فی النفس و یا کتاب النفس و یا مقالة ارسطاطاليس فی النفس نامیده‌اند در سه مقاله است که بوسیله ابوزید حنین بن اسحق عبادی به زبان سریانی و ابویعقوب اسحق بن حنین از زبان سریانی به عربی ترجمه شده و اسکندر افرویدی نیز آنرا تلخیص کرده است . این کتاب را شروح و تفاسیری است که از آن میان یکی شرح سنبلیقوس است و دیگر شرح ثامسطیوس که مقالة اول و دوم آنرا هر کدام در دو مقاله و سوم را در سه مقاله شرح و تفسیر کرده ، و این هر دو شرح به زبان عربی نیز نقل شده ، و سوم شرح ابن سینا که بوسیله دکتر عبدالرحمن بدوی در مجموعه ارسطو عند العرب بطبع رسیده است ، از این کتاب ، یعنی کتاب النفس ارسطو نقلی نیز به فارسی بدست افضل الدین کاشانی صورت گرفته که در تهران بسال ۱۳۱۶ هجری شمسی چاپ شده است ، رك : هیون

الانبياء في طبقات الاطباء لابن ابي اصيبعة ، تاريخ الحكماء لجمال الدين القفطي ص ۴۱ ، لبيزك ، ۱۹۰۲ ، تاريخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ، طبع سوم ص ۲۱۸ ، عقل در حکمت مشاء ، ص ۲۱۶ ببعد .

۳- علاوه بر منابعی که استاد نصر در یادداشت‌های خویش نام برده اند ، می‌توان برای کسب اطلاع بیشتر در باب زندگی و فلسفه شیخ الاشراق بکتاب و مقالات زیر که به زبان فارسی و عربی است مراجعه کرد :

- ۱- هانری کربن ، تاریخ فلسفه اسلامی ، ترجمه دکتر اسدالله مبشری .
- ۲- هانری کربن ، السهروردي الحلبي ، مؤسس مذهب الاشراقی ، ترجمه دکتر عبدالرحمن بدوی در کتاب خرید به نام شخصیت قلقة فی الاسلام .
- ۳- ایضا شخصیات قلقة فی الاسلام ، ترجمه تری مقدمه کراوس و کربن بر رساله اصوات اجنحة جبرائیل ، بوسیله عبدالرحمن بدوی .
- ۴- دکتر سید حسین نصر ، معارف اسلامی در جهان معاصر ، ص ۲۹-۲۵ و نیز فصل هفتم آن . این کتاب هر چند مجموعه مقالات و بهمین جهت فشرده است ولی نظر بان که حاوی مباحث مختلف و بخصوص چشم اندازهای جدیدی است بسیار مهم و مفید می‌باشد .
- ۵- دکتر ذبیح‌الله صیفا ، تاریخ ادبیات در ایران ، ص ۲۳ .
- ۶- سامی الکبالی ، السهروردي .
- ۷- ابراهیم مدکور ، فی الفلسفة الاسلامیة .
- ۸- ضیاء الدین دری ، گنزالحکمة (ترجمه فارسی نزهة الارواح شهرزوری) .
- ۹- دکتر سید جعفر شهیدی ، فلسفه اشراق ، نور و ظلمت ، مهر ، ص ۷۰-۷۶ .
- ۱۰- صمد موحد دیلمقانی ، از سهروردي به افلاطون ، کیهان‌ماه ، ج ۱ ، ص ۲ ، ص ۱۵۲-۱۷۳ .
- ۱۱- جلال‌الدین همائی ، غزالی‌نامه ، ص ۹۶ و مابعد آن و نیز کتابی که آقای محمد کاظم امام در فلسفه ایران باستان و حکمت اشراق نوشته و همچنین کتب تراجم احوال .

